



آسیای جنوب شرقی معاصر

مقدمه

جنوب شرقی آسیا متنوع ترین منطقه در جهان است. این امر به واسطه تفاوت‌های مربوط به توسعه اقتصادی، اختلافات و تفاوت‌های مذهبی و یا رژیم‌های سیاسی مختلف است. در کمتر نقطه ای از جهان چنین تنوع‌هایی به چشم می‌خورد. واژه «جنوب شرقی آسیا» طی جنگ دوم جهانی به وسیله انگلستان مورد استفاده قرار گرفت و هدف از آن منطقه ای بود که به عنوان منطقه عملیاتی علیه ژاپن عمل می‌نمود.

این نکته حائز اهمیت است تا بین جنوب شرقی آسیا که یک هویت جغرافیایی دارد و شامل کشورهای برمه، برونئی، تایلند، ویتنام، سنگاپور، مالزی، کامبوج، لائوس، اندونزی، فیلیپین و کشور تازه تاسیس تیمور شرقی است و نیز جنوب شرقی آسیا که یک ساختار سیاسی دارد و از طریق سازمان‌های همکاری شناخته شده است و به عنوان جامعه کشورهای آسیای جنوبی شرقی یا «آسه آن» شناخته شده تفاوت قائل شد. جامعه آسه آن در سال ۱۹۶۷ تشکیل گردید. ذکر این نکته مهم است زیرا این جامعه در ابتدا شامل کشورهای عمده نظیر اندونزی، تایلند، مالزی، فیلیپین و سنگاپور بود. یکی از مهمترین عواملی که مختص به شیوه توسعه آسیای جنوب شرقی می‌شود موضوع تاریخچه خاص منطقه ای و شرایط مادی آن است.

نویسنده : مارک بی سون mark beeson تلخیص: علی مراد خدادادی ناشر : پال گریو در آمریکا palgrave سال نشر: ۲۰۰۴ تعداد صفحه: ۲۷۱

عوامل سیاسی، اقتصادی، راهبردی و محیطی این منطقه نیز در شکل‌گیری آن نقش دارند. درک کامل منطقه جنوب شرقی آسیا تنها زمانی امکان پذیر خواهد بود که پیچیدگی عوامل ذکر شده در بالا در سطوح ملی و منطقه‌ای شناخته شود.

البته منطقه جنوب شرقی آسیا نظیر سایر نقاط جهان به چالش ناشی از فرآیندهای جهانی واکنش نشان داده است. در این ارتباط هیچ استثنائی بین این منطقه و سایر نقاط جهان وجود ندارد.

در بخشی از کتاب «جنوب شرقی آسیا» یکی از نویسندگان به تأثیر دوران استعمار در آسیای جنوب شرقی پرداخته و این دوران را در چشم انداز منطقه مزبور و شیوه زندگی مردم آن، یک دوران مهم تلقی نموده و ساختارهای اقتصادی و سیاسی دوران استعمار - که در شکل‌گیری جنوب شرقی آسیای معاصر نقش داشتند - را به رشته تحریر درآورده است.

وی معتقد است که استعمارگری اروپایی یک سامانه دولتی جدیدی را بین سالهای حدود ۱۸۷۰ و سالهای اولیه قرن بیستم در جنوب شرقی آسیا ایجاد کرد. بتدریج استعمار، با ملی‌گرایی بخشی از این کشورها مواجه شد.

ایده‌های ناسیونالیستی بین‌نخبگان کشورهای منطقه ترویج گردید و به این نتیجه رسیدند که سرنوشت آینده آنها زمانی تضمین خواهد شد، که بتوانند به هویت خویش دست یابند و از قدرتهای استعماری فاصله گیرند.

با این حال در برخی از مناطق نظیر کامبوج و لائوس، این حس ملی‌گرایی و ناسیونالیسم کمتر به چشم می‌خورد که علت آن شاید این امر بود که نخبگان آنجا ترجیح می‌دادند که در پرتو استعمار بهتر می‌توانند از تمامیت ارضی خود محافظت به عمل آورند؛ زیرا احتمال تجاوز از ناحیه همسایگان خود را می‌دادند.

ثبات حاکمیت استعماری در جنوب شرقی آسیا با شروع جنگ ژاپن از میان رفت. اما تجربه استعماری و هرآنچه که به عنوان محدودیتها تلقی می‌گردید در شکل‌گیری آسیای شرقی جدید و مدرن دخالت داشتند.

سیاستمداران ملی‌گرا که در نهایت موفق گردیدند تا در برخی از مناطق به وسیله خشونت و در برخی مناطق دیگر از طریق مذاکرات صلح آمیز زمام امور این کشورها را بدست بگیرند، نمی‌خواستند که از نظر سیاسی آن مناطق را برجسته سازند، بلکه در نظر داشتند تا در زمینه‌های اخلاقی و توسعه در آن مناطق تحول ایجاد کنند. در بخش دیگری از کتاب، یکی دیگر از نویسندگان تحت عنوان استعمار زدایی جنوب شرقی آسیا، ملی‌گرایی، انقلاب و جنگ

نگرش راهبردی (پژوه نامه سند چشم‌انداز - راهبر منطقه گرا) شماره ۸۷ بهمن ۱۳۸۴

سرد به بیان دیدگاه‌های خویش پیرامون منطقه مزبور پرداخته است.

وی معتقد است که پس از ۱۹۴۵، امپراتوریهای استعماری در جنوب شرقی آسیا ساقط شد و بین دهه های ۱۹۴۰-۱۹۷۰ مرزهای استعماری در سراسر آسیا، آفریقا، خاورمیانه و اقیانوسیه تبدیل به مرزهای ملی گردید. در آغاز قرن بیستم، تمامی کشورهای آسیای جنوب شرقی مستعمره امپراتوری اروپا بودند و در این میان تنها فیلیپین مستعمره آمریکا بود. توسعه استعماری در جنوب شرقی آسیا بخشی از فرایند گسترده رشد سرمایه داری و صنعتی شدن اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن در اوائل قرن بیستم بود. انقلاب صنعتی در اروپا موجب گردید تا کشورهای جنوب شرقی آسیا کالای مورد نیاز خود را از اقتصادهای صنعتی تامین کنند و همین امر توسعه امپراتوریهای استعماری در منطقه یادشده را در پی داشت.

با انسجام و تحکیم یک سری از امپراتوریهای استعماری مختلف در اوائل قرن بیستم، ناسیونالیسم مدرن در میان نخبگان کشورهای آسیای جنوب شرقی ریشه دوانید و آنها از این ابزار برای بسیج مردم، محلی علیه استعمارگری بهره بردند.

با وجود، بافتهای تاریخی متفاوت، موضوع «ملت-دولت» ما به طور فزاینده‌ای ادبیات کشورهای جنوب شرقی آسیا را فرا گرفت و از عنصر جهانی آزادی و حق تعیین سرنوشت جهت وحدت شهروندان و حرکت آنان به سمت توسعه و مدرنیزه شدن استفاده شد.

از دید اکثر ناظران، پویایی استعمار زدایی و تناسب زمانی، جهت انتقال روند استعمار به «ملت-دولت» حاصل سه جریان بود که عبارت بودند از ظهور جنبشهای ناسیونالیستی، تعامل فزاینده این جنبش ها با پویایی خاص جنگ سرد و نیز پیدایش جنبشهای ناسیونالیستی مسلح.

منطقه جنوب شرقی آسیا کانون جنگهای بلند مدت بود و در این جنگها رقابت بین آمریکا، شوروی سابق و چین به صورت مستقیم و غیر مستقیم در جریان بود.

نویسنده دیگری در مقاله خود در این کتاب تحت عنوان «توسعه جنوب شرقی آسیا در چشم انداز منطقه ای و تاریخی»، به این نکته اشاره می کند که منطقه جنوب شرقی آسیا کانون بحثهای جهانی شدن و توسعه بوده است.

در این بخش دو موضوع مورد بحث قرار می گیرد، یکی اینکه آسیای جنوب شرقی توسط نیروهای جهانی بازار به یک اقتصاد سیاسی منطقه ای تبدیل گردید و در این میان کشورهای آمریکا، ژاپن و چین فرصتهای خاص اقتصادی را برای این منطقه فراهم آوردند.

موضوع دیگر اینکه هم تلاشهای دولتهای آسیای جنوب شرقی در زمینه توسعه فرا منطقه‌ای و هم یکپارچگی اقتصادی منطقه ای آنها موجب تغییراتی در ساختارهای قدرت منطقه‌ای گردید.

درک توسعه آسیای جنوب شرقی به عنوان یک سری از واکنشهای تطبیقی به پویایی قدرت منطقه ای به ما کمک می کند، تا رشته های مشترک مربوط به تنوع عمده منطقه را بشناسیم.

کشورهای آسیای جنوب شرقی بتدریج اقتصادهای خود را بین المللی کردند، اما وارد شدن شوکهای بین المللی، برخی اوقات آنها را مجبور ساخت، تا راهبردهای توسعه جدید را مورد بررسی قرار دهند. بحران اقتصادی سالهای ۱۹۹۷-۹۸ نمونه ای از این قبیل شوکها است. اما اتخاذ دور جدیدی از راهبردهای تطبیقی توسط آن کشورها- که بر اساس آنها ابزارهای سنتی جهت ایجاد تغییرات فزاینده به کار گرفته شد- باعث گردید تا شوکهای قید شده، تاثیرات زیادی در منطقه بر جای نگذارند که بر خلاف انتظار، تغییرات عمیقی در منطقه در پی نداشتند. در بخشی از کتاب آسیای جنوب شرقی معاصر، توجه خواننده به همگرایی جدیدی در جنوب شرقی آسیا جلب گردیده و عمدتاً بر روی رژیمهای شبه دموکراسی در سطح پایین در سنگاپور، مالزی اندونزی، فیلیپین و تایلند تاکید شده است. همچنین تغییرات از شبه دموکراسی به دموکراسی کامل نیز مورد بررسی قرار می گیرد.

در اکثر کشورهای جنوب شرقی آسیا، شاخصهای پیچیده تاریخی، ساختاری، فرهنگی و نیز متغیرهای خارجی از موانع تغییر ساختار رژیمهای آن کشور محسوب می شوند.

حاکمیت های استعماری و یا جذب برخی اقدامات استعماری در ساختارهای اجتماعی آسیای جنوب شرقی باعث گردید تا روند دموکراسی در این منطقه با سرعت پیش نرود.

در این بخش از کتاب، شرایطی که در آن شبه دموکراسیها به روند خود ادامه می دهند مورد بحث قرار می گیرد و سپس توجه بیشتری به شرایطی معطوف می گردد که این قبیل رژیمها امکان وارد شدن در دموکراسیهای بیشتری را پیدا می کنند.

در این میان، رهبران سنگاپور و مالزی توانستند، سوابق طولانی از رشد اقتصادی از خود بر جای بگذارند. آنها همچنین موفق گردیدند تا احزاب مستقل حاکم را ایجاد کنند؛ بدین طریق رژیمهای شبه دموکراسی در سنگاپور و مالزی ایجاد گردید.

اما در مقابل، در اندونزی، فیلیپین و تایلند که حکام مستبد و نظامی بر سر قدرت بودند، روند دموکراسی رو به افول گذاشت و اقتصاد کشورهای اندونزی و فیلیپین در مقابل شوکهای

ناشی از فساد مستمر آسیب پذیر بودند.

در مقاله دیگری از کتاب «جنوب شرقی آسیای معاصر» تحت عنوان «ارزشهای آسیایی» نویسنده بر این امر تاکید دارد که در بحث اقتصاد و سیاست، هیچ شکی نیست که اقدامات فرهنگی محلی که موجب انتقال ارزش‌های خاص به اقدامات معقول و منطقی می‌شوند، در چارچوب ساختار سرمایه صورت می‌گیرند و شیوه‌هایی را پدید می‌آورند که بر مبنای آنها شرکتها به سازماندهی محصولات خود مبادرت می‌ورزند، روابط کاری خویش را اداره می‌کنند و بازارهای مصرف را اغلب منطبق با راهبردهای فرهنگ محور دولتها منطبق می‌نمایند.

در جنوب شرقی آسیا مفهوم جامعه گرایی در کشورهای مختلف بدین معناست که آنها از مولفه‌ها و فرمولهای متعدد محلی بهره‌برداری می‌کنند.

رشد سرمایه در شرق و جنوب شرقی آسیا طی سال ۱۹۹۷ و بدنبال بحران مالی آسیا بشدت مختل گردید و تبعات خود را در سراسر منطقه در پی داشت. بطوریکه در اندونزی موجب تسریع سقوط حکومت «سوهارتو» پس از گذشت ۳۰ سال حاکمیت ظالمانه وی گردید. با اوج گرفتن بحران مالی، بحث‌های داغ پیرامون گفتمان ارزشهای آسیایی رو به افول گذاشت. در برخی از کشورهای آسیایی، صاحبان قدرت سیاسی از عقیده ای خاص، مبتنی بر ارزش‌های سنتی بهره می‌برند. این عقیده در جوامع غربی به عنوان ارزش جامعه گرایی، به جای فردگرایی عمل می‌کند.

ظاهراً گفتمان ارزشهای آسیایی بیشتر جنبه تاریخی دارد تا فرهنگی؛ اما اقدامات مختلف فرهنگی در مناطق مختلف- که مبتنی بر مفاهیم محلی هستند می‌توانند با سرمایه داری نئولیبرالی که جامعه را از بین می‌برند، به مقابله برخیزند.

مؤلف کتاب «جنوب شرقی آسیا» در بخشی از این کتاب تحت عنوان سیاست جنبشهای کارگری در جنوب شرقی آسیا، به این نکته اشاره می‌کند که بحران اخیر منطقه، موجب وارد آوردن صدمه به نیروی کار سازماندهی شده در جنوب شرقی آسیا گردید؛ به عبارت دیگر، موانع اقتصادی و سیاسی جهت توسعه جنبشهای موثر کارگری در این قبیل جوامع جنوب شرقی آسیا پدید آمد و این روند با وجود پیشرفتهای سرمایه‌داری طی چندین دهه صورت پذیرفت.

البته ریشه‌های تشکلهای سیاسی در جنوب شرقی آسیا، به مبارزات ضد استعماری کارگران بر می‌گردد که در قالب اتحادیه‌های کارگری به مبارزه می‌پرداختند. اما روند جهانی شدن

موجب، کاهش روند آشتی بین سرمایه و نیروی کار در جوامع پیشرفته سرمایه داری گردید.

در چنین شرایطی، جنبشهای کارگری ضعیف با چالشهای مضاعفی از ناحیه دولتهای سرکوبگر روبرو گردیدند.

به عنوان نمونه، سازمانهای کارگری در اندونزی که عمدتاً در بخشهای حمل و نقل و تاسیسات فعال بودند سهم عمدهای در مبارزات استقلال طلبی و ملی گرایی داشتند. در دوران استعمار در مالزی، مقامات استعماری نهایت تلاش خود را به عمل می آوردند تا مانع رشد جنبشهای کارگری شوند.

در این میان اندونزی در جنوب شرقی آسیا که بشدت تحت تاثیر بحران آسیا قرار گرفت، بیشترین آسیب را به جنبشهای کارگری سازماندهی شده وارد ساخت.

البته وجود ضعف عمده سازمانی در جنبشهای کارگری از عوامل آسیب پذیری این جنبشها محسوب می گردد. همچنین روند جهانی سازی نیز فشارهای بیشتری به جنبشهای کارگری در جوامع کارگری صنعتی وارد آورد. یکی از نویسندگان در مقاله ای تحت عنوان «اسلام در جنوب شرقی آسیا» به این مهم پرداخته است که تا همین اواخر مذهب اسلام در جنوب شرقی آسیا در نظر سیاستمداران و متفکرین منطقه به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته بود.

در همین ارتباط، تحلیلگران راهبردی در زمینه سیاست و دیپلماسی منطقه توجه کافی به اسلام نداشتند و این در حالی بود که یک پنجم جمعیت مسلمانان جهان در این نقطه زندگی می کنند.

اما این وضعیت به دنبال رشد اسلام گرایی دهه ۱۹۷۰، تغییر یافت؛ به ویژه در کشورها مالزی و اندونزی این رشد محسوس تر بود.

در این فصل از کتاب نویسنده به بررسی روندهای اخیر پیرامون نفوذ بیشتر اسلام در جوامع آسیای جنوب شرقی و نقشی که اسلام در امور منطقه ایفا می کند، پرداخته است. در همین ارتباط چهار موضوع خاص مورد تاکید قرار می گیرد که عبارتند از: خصوصیت اسلام در منطقه، تاثیر اسلام بر سیاست داخلی و انسجام اجتماعی، نفوذ موضوعات اسلامی بر روابط اقتصادی و دیپلماتیکی و اهمیت اسلام در امنیت منطقه ای.

مسلمانان تقریباً نیمی از جمعیت آسیای جنوب شرقی را تشکیل می دهند و اطلاعات موجود حاکی از آن است که در مجموع ۲۰۶ میلیون مسلمان یعنی ۱۸ درصد مسلمانان جهان در این

نقطه زندگی می کنند. به طور کلی در منطقه جنوب شرقی آسیا، موضوع اسلام از حساسیت زیادی برخوردار است. تا جایی که در سیاست خارجی برخی کشورها نظیر مالزی تأثیر نفوذ اسلام به وضوح مشاهده می شود.

در قسمت دیگری از کتاب تحت عنوان «پی گیری امنیت در جنوب شرقی آسیا» موضوع امنیت در این نقطه از جهان مورد بررسی قرار می گیرد و به این نکته پرداخته می شود که شیوه های فکری متفاوتی پیرامون چگونگی برقراری امنیت در جنوب شرقی آسیا وجود دارد. همچنین برخی از چالشهای امنیتی خاص که فراروی کشورهای این منطقه قرار دارد و نیز راههای پاسخ به این چالش ها مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

کارشناسان سه نوع تهدید را برای تمامیت ارضی کشورهای جنوب شرقی آسیا مطرح کرده اند که عبارتند از: تهدیدات تمامیت ارضی ناشی از دیگر کشورهای منطقه در جریان استعمار زدایی، تهدیدات ناشی از خارج از منطقه (که عمدتاً از ناحیه چین احساس می شود) و تهدیدات ناشی از هریک از خود کشورهای واقع در منطقه جنوب شرقی آسیا. تهدیدات اصلی رژیمهای منطقه ناشی از بلند پروازیهای دیگر کشورهای منطقه نخواهد بود بلکه ناشی از کمونیسم و کسانی است که طرفدار حقوق بشر لیبرالی هستند.

رویکردهای واقع گرایانه در قبال امنیت جنوب شرقی آسیا نشان دهنده این امر است که امنیت تنها زمانی تحقق خواهد یافت که کشورهای منطقه از نیروهای مسلح کافی برخوردار باشند و موازنه قدرت منطقه ای و تشکیل ائتلاف ها صورت گیرد.

تحلیلگران به هزینه های فزاینده دفاعی به عنوان عاملی می نگرند که باعث جلوگیری از جنگ بین کشورها می شود.

جنوب شرقی آسیا نیز از دهه ۱۹۶۰ به منظور ارتقای امنیت منطقه ای، جامعه کشورهای جنوب شرقی آسیا موسوم به «آسه آن» را تشکیل داد.

معیارهای تشکیل دهنده «آسه آن» مبتنی بر چشم انداز مشترک فرهنگی در روابط بین المللی هستند که بر اهمیت اشکال دانش آسیایی و تصمیم گیری تفاهم محور تأکید دارند. چالشهای اصلی امنیتی فراروی رژیمهای جنوب شرقی آسیا در حال حاضر عدم همبستگی و نبود مشروعیت کافی برای رژیمهای حاکم می باشد.

در بخش دیگری از کتاب، موضوع چالشهای محیط زیستی مورد بحث قرار می گیرد و به این نکته اشاره شده است که همکاریهای محیط زیستی چالش مهم کشورهای جنوب شرقی آسیا است. در این بخش روی این امر تأکید شده که منطقه جنوب شرقی آسیا دارای

انواع «اکوسیستم» کاملاً متمایز از یکدیگر است که عبارتند از: اکوسیستمهای دریایی ناشی از جزیره جنوب شرقی آسیا و اکوسیستم های قاره ای رودخانه ای و دریاچه ای و اکوسیستم های متنوع منطقه ای.

منطقه جنوب شرقی آسیا در قبال آلودگیهای محیطی و آبی آسیب پذیر است. تخریب محیط زیست در امنیت منطقه ای تاثیر بسزائی دارد و منابع بالقوه ای از تنشها و اختلافات در سطح محلی را ایجاد می کند.

مواردی از اختلافات و ناامنی ها بر سر تقسیم منابعی همچون آب است.

بخش دیگری از مشکلات محیط زیستی، نبود راهبردهای یکپارچه و جامع حفظ محیط زیست در منطقه است.

مؤلف کتاب در بخش دیگری تحت عنوان «جنوب شرقی آسیا و قدرتهای بزرگ» به تحلیل تعاملات کشورهای این منطقه با سایر قدرتهای منطقه ای و جهانی می پردازد و بر کشورهای تاثیر گذار در توسعه آینده منطقه نظیر ایالات متحده آمریکا، ژاپن و چین اشاره می کند. بر این اساس، کشورهای نام برده شده دارای ظرفیت و اشتیاق نفوذ در تمامی کشورهای منطقه هستند.

شایان ذکر است که توان آمریکا در اعمال مدل اقتصادی خود در جنوب شرقی آسیا، ناشی از کاهش نسبی اقتصادی ژاپن و رشد اهمیت سرمایه گذاری آمریکا به طور کلی در شرق آسیا و به ویژه جنوب شرقی آسیاست.

هیچ شکی نیست که ژاپن نفوذ عمده ای در جنوب شرقی آسیا دارد. حال این امر که آیا این نفوذ مثبت است یا منفی، جای بحث است.

برخلاف ژاپن، روابط چین با کشورهای منطقه به واسطه نگرانیهای اعتقادی و راهبردی کشورهای منطقه نسبت به چین، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است، این امر به ویژه در جریان جنگ سرد تهدید مستقیمی علیه کشورهای «آسه آن» محسوب می شد. البته این نوع نگرانیها با توجه به جاه طلبی های بلند مدت چین در منطقه، هنوز به قوت خود باقی است.

به طور کلی این چنین تصور می شود که منطقه جنوب شرقی آسیا کانون رقابت ابر قدرتهای فرا منطقه ای است.

در قسمت دیگری از کتاب، «بحث ایجاد همکاریهای منطقه ای» مطرح گردیده و به این نکته اشاره شده است که با توجه به تنوع کشورهای عضو «آسه آن» از نظر وسعت، تجارب

استعماری، فرهنگ و تاریخچه درگیرها و تنشها که از زمان پایان جنگ دوم جهانی تا اواسط دهه ۱۹۶۰ بر روابط منطقه ای تاثیر گذار بوده اند، سازمان «آسه آن» شکل گرفت. هدف از این سازمان شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی، پیشرفت و توسعه فرهنگی اجتماعی، ارتقای صلح و ثبات منطقه ای و همکاری در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و علمی بود.

در سالهای اولیه تشکیل این سازمان، برخی از اقدامات عمده تحقق یافت و چارچوبی را برای مذاکرات بر سر اختلافات منطقه ای به ویژه اختلافات مرزی پدید آورد.

طی ۳۵ سال گذشته سازمان «آسه آن»، پیشرفتهای قابل توجهی داشته است و با وجود فراز و نشیبهای خود منافی را برای کشورهای عضو در پی داشته است.

از عمده منافع این سازمان برای کشورهای عضو، می توان به ثبات سیاسی منطقه ای - که در رشد اقتصادی تاثیر گذار بوده - اشاره نمود.

امروزه سازمان «آسه آن» در محافل بین المللی، همچون سازمان تجارت جهانی و سازمان ملل از اعتبار بالایی برخوردار است.

در واقع «آسه آن» تبدیل به بخشی از هویت جنوب شرقی آسیا شده است.

کتاب «آسیای جنوب شرقی معاصر» مشتمل بر یازده فصل به شرح زیر می باشد:

- فصل اول - احیاء منطقه: آسیای جنوب شرقی و تجربه استعماری
- فصل دوم - استعمار زدایی آسیای جنوب شرقی: ناسیونالیسم، انقلاب و جنگ سرد.
- فصل سوم - توسعه آسیای جنوب شرقی در چشم انداز منطقه ای و تاریخی
- فصل چهارم - دموکراسی در آسیای جنوب شرقی: نحوه دستیابی به دموکراسی و مفهوم آن
- فصل پنجم - ارزشهای آسیایی.
- فصل ششم - سیاست جنبشهای کارگری در جنوب شرقی آسیا
- فصل هفتم - اسلام در آسیای جنوب شرقی: دیپلماسی و امنیت.
- فصل هشتم - تعقیب دموکراسی در آسیای جنوب شرقی: فراتر از واقعیت.
- فصل نهم - چالشهای محیط زیست، ناتوانی سیاسی و پویایی های منطقه ای در آسیای جنوب شرقی.
- فصل دهم - آسیای جنوب شرقی و قدرتهای عمده: ایالات متحده آمریکا، ژاپن و چین
- فصل یازدهم - «آسه آن»: ایجاد همکاریهای منطقه ای

نظر خلاصه کننده کتاب:

کتاب «آسیای جنوب شرقی آسیا» حاوی مطالب متنوع در زمینه چگونگی شکل گیری منطقه جنوب شرقی آسیا، عملکرد استعمار در این منطقه، پیدایش جنبشهای ملی گرای، انقلابی و کارگری و نیز چالشهای فراروی آن در زمان جنگ سرد و بعد از آن و نیز تاثیر قدرتهای منطقه ای و جهانی در تحولات این منطقه است.

کتاب مورد نظر در بر گیرنده یازده مقاله است که توسط نویسندگان مختلف به رشته تحریر درآمده و مولف به گردآوری آنها مبادرت ورزیده است.

کتاب مزبور مجموعه ای از یک روند تاریخی پیرامون چگونگی شکل گیری منطقه جنوب شرقی آسیا و عوامل تاثیر گذار در آن است.

مقالات جمع آوری شده به نحوی تنظیم شده اند که بتوانند یک چهره واقعی از موجودیت این نقطه از جهان را در ذهن خواننده ایجاد کنند.

گرچه هدف مولف از تدوین چنین کتابی در واقع نشان دادن چهره منطقه جنوب شرقی آسیاست اما با اندکی تامل می توان نتیجه گرفت که نویسندگان مقالات در برخی از نقطه نظرات خویش یا آگاهی کافی از منطقه نداشتند و یا به واسطه عنادی که نسبت به مسلمانان و جامعه اسلامی داشته حقایق موجود در چنین منطقه ای را کتمان کرده اند و یا اینکه به صورت یک اشاره ای گذرا از کنار آن گذشته اند به عنوان مثال، دو کشور پر جمعیت مسلمان، نظیر اندونزی و مالزی در این منطقه واقع هستند و با احتساب مسلمانان در سایر کشورهای منطقه می توان نتیجه گرفت که بتقریب بیشترین جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دهند. از طرفی در نظر گرفتن مؤلفه های مذهبی، اعتقادی، سنتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چنین جمعیت مسلمان در آسیای جنوب شرقی حائز اهمیت است.

بدون شک هیچ تحولی در منطقه بدون در نظر گرفتن مؤلفه های یاد شده، نمی تواند با موفقیت صورت گیرد. اما آنچه در این کتاب کمتر بدان پرداخته شده، موضوع دخالت داشتن مردم منطقه در تعیین سرنوشت خویش است. آنچه می توان از مطالب کتاب استنباط نمود، این امر است که عوامل فرامنطقه ای بیش از خود مردم آن منطقه در روند تحولات آسیای جنوب شرقی تاثیر گذار هستند و همین امر موجب پیدایش اخلال و بی ثباتی در برخی کشورها گردیده است. نمونه عینی آن بحران اقتصادی دهه ۱۹۹۰ بود که به عنوان یک چالش تا حد زیادی بر روند توسعه منطقه تاثیر گذاشت. از دیگر اموری که این منطقه با آن روبروست موضوع عدم ثبات می باشد و زمانی که ریشه های این عامل بررسی شود

مشاهده می گردد که قدرتهای فرامنطقه ای به ویژه ایالات متحده آمریکا در روند بی ثبات منطقه نقش بسزائی ایفاء می کنند که نمونه آن، تلاش آمریکا برای جدا شدن منطقه تیمور شرقی از اندونزی بود.

اهرم دیگری که قدرتهای فرامنطقه ای به ویژه اروپائیان و آمریکایی ها بدان تمسک می جویند، موضوع مبارزه با تروریسم است که آنها از این موضوع در جهت خدشه دار شدن جامعه مسلمان منطقه آسیای جنوب شرقی بهره می برند و به طریقی موضوع را منعکس می کنند که گویا وجود مسلمانان در این منطقه، عامل بی ثباتی و نا امنی آن است و یکی از راه حل های آنها گرایش مردم منطقه به دموکراسی غربی و کنار گذاشتن سنت های مذهبی و ملی عنوان شده است و این همان چیزی است که به عنوان از دست دادن هویت ملتها از آن نام برده می شود



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز